

مفروضات - مسأله ای که کالات

وجود غیر متناهیست

حضرت عبدالبهاء

نسخه اصل فارسی



مسأله ای که کالات وجود نامتناهیست - مفروضات - اثر حضرت عبدالبهاء - بر اساس نسخه طبع سنه ۱۹۰۸ م

بدانکه مراتب وجود متناهی است مرتبه عبودیت مرتبه نبوت مرتبه ربوبیت لکن کالات الهیه و امکانیه غیر متناهی است . چون بدقت نظر نمائی بظاهر ظاهر نیز کالات وجود غیر متناهیست زیرا کائناتی از کائنات نیایی که ما فوق آن تصور نتوانی مثلاً یاقوتی از عالم جماد گلی از عالم نبات بلبلی از عالم حیوان بنظر نیاید که بهتر از آن تصور نشود . چون فیض الهی غیر متناهیست کالات انسانی غیر متناهی است . اگر چنانچه نهایت ممکن بود حقیقتی از حقائق اشیا بدرجه استغناء از حق میرسد و امکان درجه وجوب می یافت ولی هر کائناتی از کائنات از برای او رتبه ایست که تجاوز از آن مرتبه نتواند یعنی آنکه در رتبه عبودیت است هر چه ترقی کند و تحصیل کالات غیر متناهی نماید برتبه ربوبیت نمیرسد و همچنین در کائنات جماد آنچه ترقی کند در عالم جمادی قوه نامیه نیابد و همچنین این گل هر قدر ترقی نماید در عالم نباتی قوه حساسه در او ظهور نکند مثلاً این معدن نقره سمع و بصر نیابد نهایتش اینست که در رتبه خویش ترقی کند و معدن کاملی گردد اما قوه نامیه پیدا نکند و قوه حساسه نجوید و جان نیابد بلکه در رتبه خویش ترقی کند . مثلاً پطرس مسیح نشود نهایتش اینست که در مراتب عبودیت بکالات غیر متناهی رسد . لهذا هر حقیقت موجوده قابل ترقیست و چون روح انسانی بعد از خلع این قالب عنصری حیات جاودانی دارد البته شیء موجود قابل ترقیست . لهذا از برای انسان بعد از وفات



ORIGINAL



AUDIO

طلب ترقی و طلب عفو و طلب عنایت و طلب مبرات و طلب فیوضات جائز است چه که وجود قابل ترقیست اینست که در مناجاتهای جمال مبارک بجهت آنانکه عروج کرده‌اند طلب عفو و غفران شده است . و ازین گذشته همچنانکه خلق در این عالم محتاج بحق هستند در آن عالم نیز محتاج هستند همیشه خلق محتاج است و حق غنی مطلق چه در این عالم و چه در آن عالم و غنای آن عالم تقرب بحق است در اینصورت یقین است که مقربان درگاه الهی را شفاعت جائز و این شفاعت مقبول حقّ اما شفاعت در آن عالم مشابهت بشفاعت این عالم ندارد کیفیتی دیگر است و حقیقتی دیگر که در عبارت نگنجد . و اگر انسان توانگر در وقت وفات باعانت فقرا و ضعفا وصیت کند و مبلغی از ثروت خویش را انفاق بایشان نماید ممکن است این عمل سبب عفو و غفران و ترقی در ملکوت رحمان گردد و همچنین پدر و مادر نهایت تعب و مشقت بجهت اولاد کشند و اکثر چون بسن رشد رسند پدر و مادر بجهان دیگر شتابند نادراً واقع که پدر و مادر در مقابل مشقات و زحمات خویش در دنیا مکافات از اولاد بینند پس باید اولاد در مقابل مشقات و زحمات پدر و مادر خیرات و مبرات نمایند و طلب عفو و غفران کنند مثلاً شما در مقابل محبت و مهربانی پدر باید بجهت او انفاق بر فقرا نمائید و در کمال تضرع و ابتهال طلب عفو و غفران کنید و رحمت کبری خواهید حتی کسانی که در نگاه و عدم ایمان مرده‌اند ممکن است که تغییر نمایند یعنی مظهر غفران شوند و این بفضل الهیست نه بعدل زیرا فضل اعطاء بدون استحقاق است و عدل اعطاء باستحقاق . چنانچه ما در اینجا قوه داریم که در حق این نفوس دعا نمائیم همین طور در عالم دیگر هم که عالم ملکوت باشد همین قوه را دارا خواهیم بود . آیا جمیع خلق آن عالم مخلوق خدا نیستند پس در آن عالم هم میتوانند ترقی کنند همچنانکه در اینجا میتوانند بتضرع اقتباس انوار نمایند در آنجا هم میتوانند طلب غفران نمایند بتضرع و رجا اقتباس انوار کنند . پس چون نفوس در این عالم بواسطه تضرع و ابتهال یا دعای مقدّسین تحصیل ترقی مینمایند بهمچنین بعد از فوت نیز بواسطه دعا و رجای خود میتوانند ترقی کنند علی‌الخصوص چون مظهر شفاعت مظاهر مقدّسه گردند